

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

آنگاه

دوره - سی و هفتم

شماره - دوم

اردیبهشت ماه - ۱۳۴۷

شماره - ۲

تأسیس بهمن ماه - ۱۲۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

نویسنده : پروفیسور گلپکه آلمانی

ترجمه : محمد وحید دستگردی

منظومه لیلی و مجنون حکیم نظامی گنجوی تصحیح و تحشیه شاعر و دانشمند ایرانی وحید دستگردی

اخیراً منظومه لیلی و مجنون نظامی توسط پروفیسور گلپکه مستشرق معروف آلمانی بزبان آلمانی ترجمه شده و سپس این منظومه بزبانهای فرانسه و انگلیسی و روسی و ترکی نیز ترجمه گردیده است . پروفیسور گلپکه بر- ترجمه این منظومه بزبان آلمانی مقدمه‌ای نگاشته که متضمن بعضی نکات تاریخی و ادبی است و اینک ترجمه آن در ذیل از نظر خوانندگان فاضل ارمغان میگذرد .

منظومه لیلی و مجنون مشهور ترین داستان عشقی کلاسیک در ادبیات اسلامی است . نظامی در تنظیم این منظومه به منابع عربی توجه داشته و تا آنجا که ممکن

بوده است ریشه داستان را از اخبار عربی اقتباس کرده و منظومه‌ای گرانبها و بی‌بدیل که به چهار هزار بیت بالغ می‌شود پدید آورده است. این منظومه در نظر صاحب‌نظران وادبا خوش آمده و شاعران بسیاری در ایران و ترکیه و هندوستان به تقلید از آن منظومه‌های دیگر پرداختند و حتی در ادبیات معاصر شرق تأثیر عظیم آن منظومه همچنان محسوس است.

علت این امر آنست که نظامی در زبان و لغت پارسی و تازی تبحر کامل داشته و در شعر استاد مسلم بوده است و همین کیفیات باعث شده که وی بر شعرای سلف و خلف خود سبقت گیرد. در حقیقت باید گفت که وی با استعانت از نبوغ ذاتی خود یکداستان عشقی ساده را بصورت منظومه‌ای بدیع و عرفانی در آورده است که امروزه جزئی از ادبیات جهان را تشکیل میدهد.

متأسفانه تا چند سال اخیر این اثر بی نظیر بزبانهای اروپائی ترجمه نشده بود و این از آنجهت بود که نسخه معتبری از آثار نظامی در جهان وجود نداشت. خوشبختانه شاعر و دانشمند ایرانی وحید دستگردی همت بر این کار عظیم گماشت و آثار نظامی را با مقابله با سی نسخه که نیمسال که در حدود سالهای ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ هجری نگاشته شده‌اند بدقت تصحیح و تحشیه کرد و زبان و ادب پارسی را تا ابد رهین منت خویش ساخت. اکنون تنها چاپ معتبر از آثار نظامی در جهان همان چاپ وحید دستگردی است و این ترجمه نیز بر مبنای همان نسخه چاپ وحید صورت گرفته است.

در میان داستانهای عشقی اسلامی منظومه لیلی و مجنون شهرتی بسزادارد. اکنون باید دید که آیا این داستانهای عشقی حقیقت داشته و هرگز عاشق دلخسته‌ای بنام مجنون در این جهان زندگی کرده و واقعا بخاطر عشق لیلی اینهمه آلام و مصائب را متحمل شده است. این موضوع بتحقیق نپیوسته است اما بعضی دلائل متقن وجود

دارند که بر اساس آنها میتوانیم چنین تصور کنیم که مجنون در نیمه دوم قرن هفتم میلادی در محلی در قسمت غربی شبه جزیره عربستان میزیسته است و نظامی بسال ۵۸۴ هجری این منظومه را با اقتباس از اخبار عربی برشته نظم کشیده است. نظامی در پرداختن این منظومه صرف ترجمه اکتفا نکرده و تار و پود تازی این داستان را موافق ذوق و سلیقه خود بهم بر بافته و با بیانی بسیار شیوا و با نهایت استادی حکایتی بدیع اختراع کرده است.

بدین ترتیب نظامی داستان لیلی و مجنون را که در اصل عربی حکایتی ساده بوده بصورت منظومه ای بس شیوا و دل انگیز در آورده است. بسیاری از شعرای ایران و ترکیه و هندوستان به تقلید از نظامی منظومه های دیگر پرداختند اما هیچیک نتوانسته است خود را بحریم مقدس آن استاد بزرگ نزدیک سازد. ادیب ایرانی علی اصغر حکمت چهل شاعر ایرانی و سیزده شاعر ترک را نام میبرد که به تقلید از سبک نظامی شعر گفته اند و وحید دستگردی تعداد مقلدان نظامی را متجاوز از صد تن میدانند و چنین مینویسد « اگر در کتابخانه های موجود به تفحص پردازیم احتمالاً هزار منظومه بسبک نظامی خواهیم یافت ». حتی تأثیر شیوه نظامی در داستان های عشقی جدید نیز کاملاً مشهود است.

دلیل این نفوذ عظیم آنست که نظامی بر همه شعرای پیش از خود و مقلدان خود برتری داشته و این موضوع امروز کاملاً بتحقیق پیوسته است، ادیب مصری م - ق - هیلال در کتابی که تحت عنوان « تکامل داستان لیلی و مجنون در ادبیات شرق » پرداخته و بسال ۱۹۵۴ منتشر کرده است چنین اظهار عقیده می کند که تبدیل يك افسانه محلی بیک اثر بزرگ هنری و ثمین تنها از عهده نظامی ساخته بود. علی اصغر حکمت بسال ۱۹۴۱ این منظومه را به نشر پاریس در آورد و آنرا در طهران منتشر کرد. وی در این

کتاب این منظومه را با داستان رومئو و ژولیت شکسپیر مقایسه کرده است. پرفسور یان ریپکا در کتاب خود تحت عنوان «تاریخ ادبیات ایران» که اخیراً انتشار یافته و مهمترین اثری است که در این زمینه تحریر یافته است چنین مینویسد «بامطالعه اشعار نظامی باین نتیجه میرسیم که نایغه‌های آنها را در سلك نظم کشیده است». مستشرق روسی ج. کرانشکو فسکیچ که اولین کسی است که منابع اولیه عربی این داستان را گردآوری کرده است باین موضوع اشاره میکند که مجنون از طریق منظومه بدیع نظامی به مقامی رفیع در ادبیات سایر ملل نائل شده است.

همانطور که در بالا مذکور افتاد آثار کامل نظامی را وحید دستگردی بسال ۱۹۳۵ در طهران چاپ و منتشر کرد. علاوه بر خسته نظامی کتاب بسیار گرانبائی نیز بنام گنجینه گنجوی تالیف کرد که مشتمل بر غزلیات باقیمانده نظامی و معانی ابیات مشکل و تفسیر لغات و اصطلاحات نظامی است. با مراجعه باین کتاب درک اشعار پیچیده نظامی آسان می‌شود. پس از آنکه آثار مصحح نظامی بجهان ادب عرضه شد فضایی سایر ممالک بترجمه آن آثار دست یازیدند از جمله اینکه منظومه لیلی و مجنون را ۱- ن تارلان بسال ۱۹۴۳ در استانبول بزبان ترکی و پرفسور انتو کلسکیچ آنرا بسال ۱۹۵۷ در مسکو بزبان روسی ترجمه کرد. ترجمه‌هایی که از آثار نظامی بر مبنای نسخه‌های غیر از نسخه چاپ وحید بعمل آمده من جمله ترجمه‌های که ج. اتکینسون بسال ۱۸۳۶ در لندن بزبان انگلیسی انتشار داده از درجه اعتبار ساقط است. حتی اشعاری که ادوارد برون در کتاب تاریخ ادبیات ایران، جلد دوم، چاپ ششم (کمبریج ۱۹۵۶) و ا. ج. آربری در کتاب «ادبیات کلاسیک فارسی» (لندن ۱۹۵۸) و هنری ماسه در کتاب «منتخب اشعار فارسی» (پاریس ۱۹۵۰) بعنوان نمونه آثار نظامی درج کرده‌اند مطابق تحقیقات دقیق وحید دستگردی از قطعات الحاقی بوده است که ناشران متاخر

که باسبک نظامی و شیوه سخن آن استاد بزرگ آشنائی نداشته‌اند بر آثار آن شاعر فحل افزوده‌اند.

نظامی موضوع این منظومه را خود انتخاب نکرده بود بلکه آنرا بفرمان شروان شاه ابوالمظفر اخستان پسر منوچهر نظم کرد و در ضمن اشعاری از این منظومه خود شاعر اعتراف میکند که ابتدا نسبت بنظم این حکایت تمایل نداشته است. علت این عدم تمایل آن بوده است که نظامی مجبور می‌بوده از منابع و مأخذ خشک و بیروح عربی استفاده کند. اما نظامی بموازات حفظ اصل داستان بانهایت استادی اضافاتی سودمند و مهم در متن حکایت گنجانیده است. بعضی صحنه‌هایی که نظامی بنظم اندر آورده از قبیل توصیف صحنه‌ای که در باغ اتفاق افتاده، حملهٔ نوفل به قبیلهٔ لیلی؛ امتناع لیلی از ازدواج، فرمانروائی مجنون بر حیوانات، ملاقات مجنون با مادر و عمویش، مرگ مادر، داستان جوان بغدادی و مرگ شوهر لیلی باضافه بعضی افسانه‌های دیگر در منابع عربی موجود نبوده و حتی در آن منابع اشارتی نیز بدین مطالب نشده است. البته این موضوع قابل توجه است که این منابع اولیه جهت بدید آوردن اثری هنری نوشته نشده بودند بلکه منظور جمع آوری اشعاری بوده است که به مجنون نسبت داده می‌شد که با تفاسیر مختلفی که متضمن نکاتی در باب مؤلف، نام او منشاء او و زندگانی او بوده منتشر گردیده است. نظامی اولین کسی بود که از این منابع و مأخذ که ناشران اولیه از خود بیاد کار گذارده بودند بعنوان اساس و پایه اثر بدیع خود استفاده کرد. مطلبی که بیش از هر چیز قابل اهمیت است مقایسه‌ای است که میتوان بین اشعار عربی که تحت نام مجنون باقیمانده و اشعاری که نظامی و مقلدان بزرگ او چون مکتبی، جامی و هاتنی در دهان مجنون نهاده‌اند بعمل آورد هر چند که آن اشعار عربی از جهت فصاحت و بلاغت و احاطه بر موضوع در حدی متوسط قرار دارند در حالیکه اشعار فارسی از هر

جهت کامل و همه مطالب را در بر دارند .

موضوع قابل توجه آنست که نظامی با نهایت استادی در حفظ محیط عربی کوشیده و تصاویری دلپذیر از چادرهای قبایل بیابان نشین و عادات و رسوم ایشان برشته نظم کشیده است و سپس داستان را بجانب ایران که مهد دانش و تمدن بوده هدایت کرده است . خشکی و تنیدی منابع عربی را با تصاویری دلپذیر از آسمان پر ستاره و خورشید طالع و عمیق ترین اسرار روح آدمی در آمیخته و این مناظر را با زبانی که مشحون به صنایع شعری لطیف است شرح داده است .

این داستان در اصل عربی خشک و بیروح است اما نظامی داستان را از قیود يك حادثه ساده خارج ساخته و آنرا بیک داستان معنوی تبدیل کرده و با علاقه‌ای که به رنگها و گلها و روایح داشته و با توصیفی که از جواهرات و گلها و میوه‌ها کرده منظومه‌ای بس ارجمند پدید آورده است .

در قسمتی از این منظومه خود شاعر میگوید که بعلمت قدرت سحر انگیزی که در تلفیق کلمات داشته وی را آئینه چیزهای نامرئی نامیده‌اند و گنج‌های دو جهان را در آستین خود داشته است آن گنج‌هایی که بجهان محسوس و جهان غیر محسوس تعلق دارند . پدر مجنون بمقام سلطانی میرسد . لیلی در گلستان زیر درختان سر و قدم میزند در حالی که بلبلان خوش الحان بر فراز شاخه‌ها بنغمه سرائی مشغولند . مجنون سیارات را مخاطب قرار میدهد و با آنها باز بانی رمزی که خاص حکماء ایرانی قرن دوازدهم بوده است سخن میگوید . بر خورد قبائل مهاجم و کوچک عربی بصورت جنگهای عظیم لشکر های سلطنتی ایران جلوه میکند و بیشتر آن مردمان بزبان قهرمانان و درباریان و دانشمندان ایران زمین سخن میگویند .

آنچه بیشتر از حوادث غم انگیز این داستان اهمیت دارد جنبه باطنی و معنوی

این اثر است که صحنه آن روح مجنون است. «آنچه را که ما اکنون بمنزله کلونی میدانیم که ما راز ورود بجائی مانع است ممکن است فردا آنرا در حکم کلیدی یابیم که ما را بداخل راهنمایی میکند» و «هر ورقی در کتاب سرنوشت دوطرف دارد» يك طرف را آدمی نوشته است و طرف دیگر راسر نوشت. نظامی بهر چه توجه می کند از عهده توصیف آن یا نهایت استادی بر می آید و مفهوم باطنی آنرا به بهترین وجهی بیان می کند.

شارحان عربی مجنون رامردی دانسته اند که از نوعی بیماری رنج میبرده و از راه صواب بدور افتاده است لاجرم هم او را سزاوار سرزنش دانسته و هم ترحم کردن بر احوال او را واجب شمرده اند. نظامی از این سه خصلت مجنون یعنی عشق و جنون و نبوغ شعری او آگاه است و این سه کیفیت را در حقیقت یکی میدانند و آن را واحدی تجزیه ناپذیر می شمرند، تنها هنگامیکه مجنون از بهشت عشق خود رانده می شود هم دیوانه می گردد و هم شاعر. جنون و نبوغ شعری در واقع دو جنبه از يك روح میباشند و همان مردمیکه مجنون را بخاطر دیوانگی سرزنش می کنند و بر او میخندند و بر او بخاطر اشعارش تحسین میکنند و یاد وی را پیوسته در خواطر خود زنده نگه میدارند.

از طرف دیگر سرنوشت لیلی و مجنون راز نقطه نظر ذوق مردم مغرب زمین غم انگیز نمیتوان دانست و اگر سرانجام عشق ایشان در جهان بوصول نیا نجامد نتیجه ای پیش بینی شده است که از مشرب عرفانی نظامی ناشی می شود. لیلی خود آشکارا باین نکته اشاره میکند که در مذهب عشق آشنائی بیش از حد خطرناک است. این اندیشه با آنچه که در اروپا خنیا گران را برانگیخت شباهت تام دارد اما این عقیده در آنجا چندان دوام نکرد. در صورتیکه در ایران این سنت دیرینه بر ادبیات کلاسیک تأثیری عمیق بجای گذاشته و حتی امروز نیز این سنت از بین نرفته است و بحیات خویش چون

جرقه‌ای زیرخاکستر ادامه میدهد.

بنابراین اگر آلام و مصائب این عشاق غم انگیز نیست لکن این مصائب راز نظر اخلاق نیز نمی‌توان مورد مطالعه قرارداد. شعرای عارف ایران هرگز مشرب پیوریتن نداشته‌اند.

اندوه‌والم عاشقان قیود طبیعت آدمی را از میان برمی‌دارد و آنان را از سلطه نفس خویش که بجهان فانی اتصال دارد آزاد می‌سازد. مرگ راهی است که بجهان حقیقی ختم می‌شود و از این طریق زوج سرگردان آدمی بوطن اصلی خود که پیوسته در آرزوی الحاق بدان است رجعت میکند و این حقیقت را نظامی در قالب استعارات گوناگون و بدیع بیان میدارد. شمع شب افروز بتلخی می‌گریزد. حلزون از اینکه در اندرون صدف محبوس است رنج میبرد. عقیق میخواهد که خود را از درون صخره‌ای که بمنزله زندان است آزاد سازد. گل سرخ پژمرده بیک قطره کلاب خوشبو مبدل میشود. و مجنون با نفس خویش بجنگ میبرد و بر گرسنگی و غرور و خودخواهی غالب میشود و اهریمن شهوت را نابود می‌سازد تا اینکه بمقام «پادشاه عشق» نائل می‌شود. هر کس نمی‌تواند بصرف عاشق شدن باین مقام رفیع برسد چون بقیده نظامی «عشق ناپایدار» که تنها با حواس سروکار دارد چون دوران جوانی بسرعت از بین میرود. لیلی در آثار نظامی مقامی همپایه شیرین دارد. شیرین یکی از شخصیت‌های جالب و مهم در ادبیات پارسی است. بدون شك نظامی منظومه خسرو و شیرین را بیاد معشوقه خویش که آفاق نام داشته و در جوانی جهان را وداع گفته سروده است. شخصیت او در آخرین کلماتی که لیلی خطاب بمادرش می‌گوید و یکی از بدیع‌ترین و شیواترین افسانه‌های ادبی جهان میباشد متجلی است.

البته این ترجمه منظومه لیلی و مجنون بزبان آلمانی يك ترجمه لفظ به لفظ نیست هرچند که با متن اصلی قرابت تام دارد. بجز مقدمه‌های مختلف و شرحی که شاعر در آخر کتاب افزوده و ما از ترجمه آنها صرف‌نظر کرده‌ایم این ترجمه براساس

۳۶۰۰ بیت از ۴۰۰۰ بیت اشعار منظومه لیلی و مجنون که بعقیده وحید دستگردی از آن خود نظامی میباشد بعمل آمده است. نسخه چاپ وحید دستگردی (چاپ اول، طهران ۱۳۱۴/۱۹۳۵ و چاپ دوم، طهران ۱۳۳۳/۱۹۵۴) تنها نسخه معتبر نظامی در جهان است.

در بعضی موارد محدود من ناگزیر از متن اصلی دور شده‌ام چون ترجمه به نثر زبان شعری نظامی که در غایت انسجام و فصاحت و بلاغت است کاری بینهایت مشکل میباشد. این موضوع را نیز باید در نظر داشته باشیم که نظامی آثار خویش را برای گروه معینی نوشته است که بیشتر آنان را درباریان با ذوق و علمائی که در شهرهای مختلف ایران در قرون دوازدهم و سیزدهم مزبسته تشکیل میدادند. حتی امروزه فارسی‌زبانانی که در لغت و ادب فارسی مطالعات عمیق دارند در درك معانی اشعار مشکل نظامی با اشکال مواجه میگردند مگر آنکه از کتاب گنجینه گنجوی که وحید دستگردی در تفسیر لغات و اشعار غامض نظامی نوشته است کمک گیرند.

بعضی قسمتها لازم بود باختصار ترجمه شود مثلا آنجائی که سخن از آسمان است که توسط نور ستارگان روشنائی یافته و در زیر آن مجنون برآز و نیاز مشغول است. چون ترجمه این قسمت بدانند تخصصی در زمینه نجوم و ستاره شناسی احتیاج دارد. گاهی اوقات جهت تبیین معنی يك بیت شعر پیچیده ناگزیر بچند جمله متوسل شدم.

من کار ترجمه این منظومه را در سال ۱۹۵۸ که در ایران بودم آغاز کردم. من همچنین خود اذعان دارم که با وجود جد و جهد بلیغ این ترجمه نسبت بمتن اصلی در سطحی پائین تر قرار دارد. اما همینقدر می توانم ادعا کنم که این ترجمه بر مبنای مطالعات دقیقی است که در اطراف هر کلمه از اشعار نظامی بعمل آورده‌ام.